

روابط اتحادیه اروپا با چین: از همکاری عمل‌گرایانه به سمت مشارکت راهبردی

علی صباغیان^{۱*}

راج دیپ سینگ^۲

چکیده

روابط چین و اتحادیه اروپا به صورت روزافزونی در حال گسترش و توسعه هستند. تحت شرایطی که رابطه چین و اروپا در ابتدا بیشتر از نوع معامله‌گرا و عمل‌گرا با نقش حداکثری عنصر تجارت بود، به تدریج با تغییر ماهیت به شکل راهبردی و فراگیر درآمده است. در این ارتباط، این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال بود که عوامل مؤثر بر حرکت اتحادیه اروپا به سمت یک مشارکت راهبردی با چین و تنگناها و موانع موجود بر سر راه این مشارکت چه بوده‌اند؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که نگاه مشترک به نظم جهانی، چندجانبه‌گرایی و منافع مشترک اقتصادی به امضای مشارکت راهبردی اروپا و چین انجامیده‌اند و در مقابل اختلافات داخلی درون اتحادیه اروپا، ابتکار کمربند و راه چین، وضعیت به رسمیت شناختن چین به عنوان اقتصاد بازار محور و تأثیر روابط فرا-آتلانتیک و بحران اوکراین از چالش‌های روابط هستند. در این پژوهش از روش کیفی و تحلیل آمار در داخل چارچوب نظری وابستگی متقابل پیچیده کوهن و نای استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که اتحادیه اروپا نوع خاصی از مشارکت راهبردی را با تأکید بر سیالیت موضوعی و جغرافیایی به منظور اهداف راهبردی همچون نقش‌آفرینی مؤثر در روابط بین‌الملل تعریف کرده است و با تنوع‌بخشی در شراکت راهبردی خود در آسیا و راهبردها هند و آرام خود به دنبال ایجاد تغییر در رفتار چین است. در مقابل، چالش‌هایی همچون بحران اوکراین بر فشارها برای بازنگری در سیاست راهبردی هند و آرام اتحادیه و هماهنگ‌سازی آن با تعریف محدودکننده و ضد چین ایالات متحده آمریکا افزوده‌اند.

واژگان کلیدی: چین؛ اتحادیه اروپا، وابستگی متقابل، مشارکت راهبردی، هند و آرام

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* sabbaghian@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات اروپا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۳

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، صص ۶۹-۳۹

مقدمه

اتحادیه اروپا و چین در ۲۱ مین اجلاس سالانه اتحادیه اروپا و چین (۲۰۱۹) اراده خود را برای تحکیم مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین به‌منظور همکاری برای صلح، رفاه و توسعه پایدار و تعهد خود به چندجانبه‌گرایی و احترام به قوانین بین‌المللی و هنجارهای اساسی حاکم بر روابط بین‌الملل ابراز داشتند. از نظر تاریخی اروپا و چین همراه باهم یا در مخالفت با یکدیگر موجب تحولاتی در جهان بوده‌اند. نگاهی به وضعیت کنونی جهان نیز نشان‌دهنده تأثیر اروپا و چین در نظام بین‌الملل است. این دو از توان بالقوه و اراده لازم برای تغییر در آینده جهان برخوردارند. در پرتو تحولات سال‌های آغازین قرن بیست و یکم از جمله ظهور چالش‌های جهانی و ظهور بازیگران جدید تعیین‌کننده پارامترها و مکانیسم‌های مواجهه با این چالش‌ها، جایگاه چین و اتحادیه اروپا و روابط بین این دو از اهمیت زیادی برخوردار شده است. از یکسو اتحادیه اروپا نقش خود را در شکل‌گیری حکمروایی جهانی از طریق تقویت همگرایی و نوسازی ظرفیت‌های نهادی سیاست امنیتی و خارجی مشترک به‌ویژه با ایجاد بخش اقدام خارجی در سال‌های اخیر تقویت کرده است. از سوی دیگر چین از طریق بازگشایی اقتصادی بسته قبلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تجارت جهانی تأثیر زیادی بر روابط بین‌الملل گذاشته است. در این راستا اتحادیه اروپا با توجه به ظرفیت‌های جدید چین بر آن شد که سطح روابط را از سطح همکاری عمل‌گرایانه به مشارکت راهبردی ارتقاء دهد. در حال حاضر به موازات افزایش نفوذ چین در جهان از یکسو و تحرکات اتحادیه اروپا برای تقویت جایگاه خود به‌عنوان یک‌صدای متحد و مؤثر در امور بین‌الملل روابط این دو نیز به شدت مورد توجه قرار گرفته است. روابط اتحادیه اروپا و چین اکنون به‌طور روزافزونی قاعده‌مندتر، نهادینه‌تر و دارای منافع متقابل شده و سطح گسترده‌ای از روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، تکنولوژیک، آموزشی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. اتحادیه اروپا و چین اوایل هزاره سوم را با امضای مشارکت راهبردی چین و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ آغاز کردند؛ اتحادیه اروپا با درک تغییر ساختاری قدرت اقتصادی و رشد سریع چین به‌عنوان دومین اقتصاد جهان، علی‌رغم اختلاف منافع در حوزه‌هایی همچون ارزش‌ها و حقوق بشر بر عمق بخشیدن در روابط خود با چین

در همه زمینه‌ها تأکید دارد. با امضای مشارکت راهبردی نه تنها حجم تجارت بین دو بلوک قدرت بهبود یافته، بلکه همکاری‌ها به حوزه‌های متنوع دیگری سرایت کرده‌اند و این سند تبدیل به سنگ بنایی برای گسترش روابط همه‌جانبه اتحادیه اروپا و چین در راستای ایجاد صلح و توسعه اقتصادی در نظام چندقطبی جهانی شده است. با توجه به مطالبی که بیان شد، این مقاله درصدد این است تا به این سؤال پاسخ دهد که عوامل مؤثر بر حرکت اتحادیه اروپا به سمت یک مشارکت راهبردی با چین و تنگناها و موانع موجود بر سر راه این همکاری چه بوده‌اند؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که نگاه مشترک به نظم جهانی، چندجانبه‌گرایی و منافع مشترک اقتصادی به امضای مشارکت راهبردی اروپا و چین انجامیده‌اند و در مقابل اختلافات داخلی درون اتحادیه اروپا، ابتکار کمربند و راه چین، وضعیت به رسمیت شناختن چین به عنوان اقتصاد بازار محور و تأثیر روابط فرا آتلانتیک و بحران اوکراین از چالش‌های روابط هستند. در این پژوهش از روش کیفی و تحلیل آمار در داخل چارچوب نظری وابستگی متقابل پیچیده کوهن و نای برای بررسی سؤال فوق استفاده شده است. در ادامه، ابتدا پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر مرور و چارچوب نظری مطرح می‌شود و سپس سیر تاریخی روابط چین و اتحادیه اروپا، مشارکت راهبردی چین و اروپا، ابعاد آن و چالش‌های روابط مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱- پیشینه پژوهشی

در این بخش به تحقیقات انجام شده در حوزه روابط اتحادیه اروپا و چین اشاره می‌شود. گابوسی با بررسی مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین، به نقش مخرب ابتکار راه و کمربند چین در ارتباط با بعد راهبردی بودن روابط اروپا و چین می‌پردازد. از نظر نویسنده، این ابتکار با پاس‌داشت منافع اروپا و چین در مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین سازگار نیست و منجر به تضعیف روابط خواهد شد (Gabusi, 2019). سینگ روابط اتحادیه اروپا و چین را تابعی از مؤلفه‌های مشارکت و رقابت در دوران رقابت چین و ایالات متحده آمریکا و چین و تغییرات داخلی اتحادیه اروپا می‌یابد و ضمن بررسی وابستگی‌های گسترده این دو بلوک قدرت، به افزایش پیچیدگی مشارکت اروپا و چین تحت تأثیر مؤلفه‌هایی همچون رژیم‌های بین‌المللی و اقتصاد روابط بین‌الملل

جهانی می‌پردازد (Xing, 2021). در مقاله‌ای دیگر، فنگ ضمن بررسی روابط اتحادیه اروپا و چین به تفاوت‌ها در رویکرد سه‌گانه هر یک از اعضای اتحادیه به چین به‌عنوان همکار، شریک و رقیب می‌پردازد و روابط چین با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و بالکان و بحران اوکراین را از زمینه‌های عمق بخشیدن به رویکردهای سه‌گانه اعضای اتحادیه و تعاریف متفاوت روابط چین و اروپا در نظر می‌گیرد و بر لزوم انعطاف‌پذیری در روابط چین و اروپا به‌منظور مقابله با چالش‌های درونی و بیرونی روابط بین آن‌ها تأکید می‌کند (Feng, 2022). پاولیوچویچ ضمن بررسی روابط اروپا و چین به تغییر در ماهیت روابط اروپا و چین از همکاری به تهدید شمردن چین می‌پردازد و این تغییر ماهیت روابط را پاسخی به مسئله چین، رشد سریع چین و تبدیل شدن آن به چالشگر نظم جهانی ایجادشده توسط غرب، تحت تأثیر تغییرات درونی اتحادیه اروپا و روابط جهانی ارزیابی می‌کند که در گفتمان و سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا در قبال چین دیده می‌شود (Pavličević, 2022). در پژوهش حاضر، مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین آنگونه که اتحادیه اروپا تعریف کرده است، در بافت وسیع‌تر تاریخی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی روابط منطقه‌ای و بین‌المللی و تفاوت‌های عمده آن با همکاری‌های سابق بین طرفین و چالش‌های چنین مشارکتی بررسی می‌شوند.

۲- رهیافت نظری: وابستگی متقابل پیچیده

نظریه وابستگی متقابل پیچیده که توسط رابرت کوهن^۱ و جوزف نای^۲ اولین بار در دهه ۷۰ ارائه شد، باگذشت زمان قدرت بالای تبیین روابط بین کشورها را در دوران اهمیت اقتصاد و رفاه اجتماعی نشان داده است. با ظهور نئولیبرالیسم و منطق بازار، اهمیت بعد اقتصاد، رفاه اجتماعی و محیط‌زیستی منجر به استفاده بیش‌ازپیش از نظریه وابستگی متقابل شده است. درواقع، برخلاف واقع‌گراها که همه‌چیز را بر پایه سیاست اعلی همچون سطوح نظامی و امنیتی تبیین می‌کنند، این نظریه بر اهمیت سطوح سفلی همچون اقتصاد تأکید دارد. در این میان، بر اساس تعریف نای و کوهن وابستگی به

^۱ Robert Keohane

^۲ Joseph Nye

معنای حالتی است که تحت تأثیر نیروهای خارجی قرار دارد و یا توسط آن‌ها شکل می‌گیرد و در آن به‌نوعی وابستگی متقابل بین کشورها اشاره دارد که در نتیجه اثرات متقابل بین کشورها و یا بازیگران دیگر (نظیر شرکت‌های چندملیتی) مشخص می‌شود و شکل می‌گیرد (Rana, 2015).

درواقع، در اثر روابط گسترده (چندجانبه و دوجانبه) بازیگران فراملی نسبت به عمل دیگران آسیب‌پذیر و نسبت به نیازهای یکدیگر حساس می‌شوند. درواقع، همان‌گونه که احتمال جنگ وجود دارد، به همان میزان احتمال رقابت و همکاری میان بازیگران به دلیل حساسیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های متقابل وجود دارد. وابستگی متقابل تنها خود را در همکاری نشان نمی‌دهد، بلکه رقابت و ویژگی اصلی این نوع بازی با حاصل جمع غیر صفر هست. به‌گونه‌ای که رقابت حتی در شرایطی که یکی از طرفین از همکاری بیشترین منافع را می‌برد همچنان اصل است. ویژگی‌های کلی نظریه وابستگی پیچیده را که کوهن و نای در کتاب «قدرت و سیاست: سیاست جهان در دوران گذار» مطرح کردند می‌توان در وجود کانال‌های ارتباطی متنوع (همچون نخبگان دولتی و غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی و بازیگران غیردولتی در تأثیرگذاری بر دولت)، عدم وجود سلسله‌مراتب در میان موضوعات (در کنار مسئله، امنیت اهمیت بیش‌ازپیش رفاه اقتصادی و محیط‌زیستی) و نقش کم‌رنگ‌تر قدرت نظامی خلاصه کرد (Rana, 2015).

از سوی دیگر، در این نظریه، دیگر نظم بین‌الملل توسط آنارشی به حرکت در نمی‌آید، بلکه نظم آن ناشی از قدرت سازمان‌های بین‌المللی، فناوری، دانش، روابط دولت و جامعه است؛ از سوی دیگر، دولت-ملت‌ها دیگر خودمختار نیستند، بلکه توسط منافع گروه‌های ذی‌نفع داخلی، سازمان‌های بین‌المللی و چندملیتی که بر مبنای همکاری شکل گرفته‌اند، تحت تأثیر قرار می‌گیرند و آزادی عمل سابق را ندارند (Mija & Teosa, 2014). با توجه به آنکه ما در این مقاله به تبیین همکاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین اتحادیه اروپا و چین و در نهایت مشارکت راهبردی آن‌ها (تحت شرایط تغییرات شگرف موازنه قوا در نظام بین‌الملل) خواهیم پرداخت، چارچوب نظری وابستگی متقابل اتخاذ گردید. درواقع، تحت شرایطی که اختلافات گسترده در ارزش‌ها و مبانی فرهنگی بین اتحادیه اروپا و چین وجود دارند، نظریه وابستگی متقابل پیچیده با تکیه بر دو عنصر

همکاری و رقابت و دخیل کردن گروه‌های ذی‌نفع داخلی و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای تبیین چرایی اهمیت گرفتن همکاری در ابعاد و مشارکت راهبردی بین آن‌ها مناسب است. درعین‌حال، این نظریه با اهمیت دادن به شبکه گسترده‌ای از وابستگی‌ها به فرای روابط اتحادیه اروپا و چین می‌نگرد و ابزار مناسبی را برای تحلیل تأثیر روابط فرا آتلانتیکی و آسیایی در تاروپود رقابت و همکاری بین این دو بلوک قدرت فراهم می‌آورد.

۳- تاریخچه روابط اتحادیه اروپا و چین

در روابط تاریخی اروپا و چین نوعی گسترش تدریجی موضوعات همکاری مشاهده می‌شود که پس از توافق همکاری اقتصادی و تجاری سال ۱۹۸۵ و در نتیجه افزایش همکاری‌ها در سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۳ در حوزه‌های منافع مشترک همچون عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، حفاظت از محیط‌زیست و ثبات اقتصادی جهانی به امضای مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین انجامید (Sajdak, 2013). به‌منظور درک اهمیت مشارکت راهبردی در عمق بخشیدن به روابط چین و اتحادیه اروپا با نگاهی گذرا به تاریخچه تحولات روابط اتحادیه اروپا و چین زمینه شکل‌گیری آن را بررسی خواهیم کرد و سپس پیامدها و چالش‌های مشارکت راهبردی و مسیر کنونی آن را بررسی خواهیم کرد.

۳-۱- روابط اتحادیه اروپا و چین تا قبل از ۱۹۷۵

روابط اروپا و چین از دوران نوسانی گسترش روابط و افول آن تشکیل شده است. شروع روابط چین و اروپا به دوره سلسله مینگ^۱ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م) بازمی‌گردد که در دوران سلسله منچو^۲ (۱۶۴۴-۱۹۱۲ م) ما شاهد گسترش تجارت اروپا و چین با باز شدن درهای چین به روی جهانیان و اتخاذ آموزش و پرورش، مذهب و علوم غربی همراه بود؛ در مقابل، قرن نوزدهم شاهد افول روابط با جنگ‌های تریاک (۱۸۶۰-۱۸۳۹ م) و قرن تحقیر چینی‌ها توسط اروپایی‌هاست که به دادن امتیازات گسترده به اروپایی‌ها همراه بود و موجب یک رویکرد ملی‌گرایانه در این کشور در دهه‌های آخر قرن نوزدهم شد که

^۱ Ming dynasty

^۲ Manchu Dynasty

پس از شکست چینی‌ها از ژاپن با جنبش اصلاحات صدروزه امپراتور گوانگزو^۱ بر مبنای الگوی اروپایی از شدت ملی‌گرایی کاسته شد؛ در نیمه اول قرن بیستم چینی‌ها در واکنش به تصمیمات معاهده ورسای و بعداً در پرتو انقلاب کمونیستی بار دیگر به انزوا‌گرایی روی آوردند (Rolland, 2015). در دهه ۱۹۷۰ چین به‌طور روزافزون خواستار بازگشت به جامعه جهانی بود و اروپا را به‌عنوان سپر محافظی در برابر روسیه غیر دوست و بازار خوب اقتصادی می‌دید و سفر کریستوفر سوامز^۲ معاون کمیسیون اروپا سال ۱۹۷۵ به چین به نزدیکی اروپا و چین کمک کرد (Rolland, 2015).

۴۵

۲-۳- روابط چین و اتحادیه اروپا از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰

دوره ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۱ را باید دوره روابط عادی بین چین و جامعه اروپا (سلف اتحادیه اروپا) و تابعی از الزامات جنگ سرد و روابط مرزی چین با دو ابرقدرت دانست که در نتیجه بهبود روابط ایالات متحده آمریکا و چین، به امضای موافقت‌نامه‌های تجاری بین طرفین انجامید. از سال ۱۹۸۰ جامعه اروپا وضعیت دولت کامله الوداد به چین داد و این کشور را در نظام ترجیحات عمومی خود گنجانده (Xue, 2004). در این میان، جامعه اروپا با توجه به سیاست درهای باز و مدرنیزاسیون سال ۱۹۸۵ چین تحت مدیریت دنگ شیائوپینگ به افزایش سطح مناسبات با چین روی آورد (جهانگیری و ساعی، ۱۳۹۸)؛ بدین ترتیب، در سال ۱۹۸۵ توافق همکاری اقتصادی و تجاری اتحادیه اروپا و چین به‌عنوان یک چارچوب حقوقی برای روابط دوجانبه ایجاد شد و منعکس‌کننده اولویت تجارت نزد جامعه اروپا بود و با ایجاد کمیته مشترک اتحادیه اروپا و چین در راستای تشدید و تنوع بخشیدن به تجارت و توسعه همکاری‌های اقتصادی تلاش نمود (Smith & Xie, 2010).

در نتیجه این تحولات حجم تجارت دوجانبه بین کشورهای عضو جامعه اروپا و چین در سال ۱۹۸۹ بر ۱۳ میلیارد دلار بالغ شد که ۱۵ درصد کل تجارت خارجی چین و یک درصد تجارت خارجی جامعه اروپا را در برمی‌گرفت و گرچه وقایع میدان تینانمان سال

¹ Emperor Guangxu's Hundred Day Reform

² Cristopher Soames

۱۹۸۹ منجر به تعلیق روابط اقتصادی و فرهنگی از سوی جامعه اروپا شد، با قبول چین به گفتگوها در زمینه حقوق بشر، این روابط مجدداً از سر گرفته شد (Xue, 2004).

۳-۳- روابط چین و اتحادیه اروپا از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳: نظم جهانی چندقطبی، چندجانبه‌گرایی و منافع مشترک اقتصادی

دوره بین ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ روابط اتحادیه اروپا و چین به سمت مشارکت سازنده حرکت می‌کند. تحت تأثیر تحولات داخلی چین، پایان گرفتن جنگ سرد و سرعت گرفتن روند جهانی شدن فضای مناسب برای توسعه روابط دو طرف که بر اثر حادثه میدان تینانمان به سردی گرائید بود فراهم شد و دو طرف در سال ۱۹۹۱ روابط تجاری بدون فروش سلاح را از سر گرفتند. در سال ۱۹۹۱ مذاکرات الحاق چین به گات از سر گرفته شد. از سوی دیگر عادی‌سازی روابط با چین توسط اتحادیه اروپا در دوران بعد از جنگ سرد به‌عنوان بخشی از استراتژی جدید آسیایی اروپا تلقی شد (Isufi, 2020). در این دوران ظهور اقتصادهای آسیایی، پایان جنگ سرد و نیاز اروپا برای مطرح شدن به‌عنوان یک بازیگر جهانی شرایطی برای سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا ایجاد کرد تا یک راهبرد مؤثر اروپایی در قبال خاور دور اتخاذ کنند. در اوایل سال ۱۹۹۳ آلمان اولین کشور عضو اتحادیه اروپا بود که راهبردی در قبال آسیا^۱ را به‌منظور حفظ و پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی بعد از اتحاد آلمان تدوین کرد (Huang, 2019). به دنبال آلمان «هروه د چارت»^۲ نخست‌وزیر فرانسه نیز در سال ۱۹۹۵ اعلام کرد که آسیا در دیپلماسی خارجی فرانسه مورد توجه ویژه قرار خواهد گرفت (Hemminga, 2020). هم‌زمان با ابتکاراتی که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌طور جداگانه در خصوص روابط با کشورهای آسیایی پیش‌گرفته بودند، کمیسیون اروپا در سال ۱۹۹۴ بیانیه «به سمت یک استراتژی جدید آسیایی» باهدف تقویت حضور اقتصادی اتحادیه اروپا در آسیا، کمک به ثبات منطقه، پیشبرد توسعه اقتصادی و تحکیم دموکراسی و احترام به حقوق بشر در آسیا منتشر کرد (Towards a new Asia strategy, 1994). همچنین کمیسیون اروپا در ژوئیه ۱۹۹۵ سند

^۱ Asien konzept der Bundesregierung

^۲ Herve de Charette

«سیاست بلندمدت برای روابط چین و اروپا» را منتشر کرد. در این سند اعلام شد که «اکنون زمان بازتعریف روابط اتحادیه اروپا با چین در پرتو استراتژی جدید آسیایی باهدف قرار دادن روابط کشورهای عضو اتحادیه اروپا با جمهوری خلق چین در یک چارچوب به همه پیوسته فرارسیده است.» در این سند با توجه به اهمیت روزافزون چین یک راهبرد مشارکت سازنده برای ادغام چین در جامعه جهانی تعریف شد و حجم تجارت ظرف ۱۰ سال سه برابر شد (El-Agraa, 2007). همچنین در سال ۱۹۹۶ اولین نشست مشترک آسیا-اروپا (آسم) برگزار شد. نگاه مثبت چین به جهانی‌شدن همراه با سیاست درهای باز، اصلاحات آن و افزایش چشمگیر صادرات و واردات چین با شرکای خارجی زمینه را برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۱ و توجه ویژه کمیسیون اروپا و اعضای اتحادیه اروپا به چین را فراهم کرد. در این ارتباط، کاهش نگرانی‌ها از تهدید چین، مقابله با هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل با مشارکت فعال در آن و ایجاد نظام چندجانبه‌گرایی و مناسب برای رشد اقتصادی چین از دلایل نگاه مثبت رهبران چین به جهانی‌شدن و پیوستن به سازمان تجارت جهانی بودند (صبغیان، ۱۳۸۶). در واقع، ما در روابط اتحادیه اروپا نوعی گذار از همکاری به مشارکت و در نهایت مشارکت راهبردی را مشاهده می‌کنیم که بدون توجه به منافع اقتصادی نخبگان در اتحادیه اروپا و افزایش ابعاد همکاری‌ها امکان‌پذیر نبوده است و این افزایش ارتباطات و گره خوردن منافع اقتصادی و سیاسی در نهایت به تلاش برای یافتن منافع مشترک راهبردی منجر شده است.

۳-۴- روابط چین و اتحادیه اروپا: توافق مشارکت راهبردی

دوره بین ۲۰۰۳ تا زمان حاضر در روابط چین و اتحادیه اروپا را می‌توان حرکت به سمت نوعی مشارکت راهبردی تلقی کرد. پس از شکل‌گیری اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ روند گسترش روابط این اتحادیه با چین سرعت بیشتری به خود گرفت. بیانیه‌های کمیسیون اروپا در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳ بستر ایجاد مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا با چین را فراهم کرد و در سال ۲۰۰۵ این روابط از یک روابط تک‌بعدی عمدتاً مبتنی بر مسائل تجاری به یک مشارکت فراگیر که بر سه ستون گفتگوهای سیاسی، روابط اقتصادی و روابط بخشی و تجاری و نیز برنامه همکاری اتحادیه اروپا و

چین استوار بود، تغییر کرده بود. همچنین تصویب یک بیانیه جدید درباره چین توسط کمیسیون با عنوان «همکاری نزدیک‌تر، مسئولیت‌های رو به رشد جامعه اروپا-چین»^۱ در اکتبر سال ۲۰۰۶ بستری مناسب‌تری برای مشارکت بین این دو ایجاد کرد (Cabestan, 2006). البته اتحادیه اروپا تعریف دقیقی از مشارکت راهبردی ارائه نکرده است ولی بر اساس نوع گفتمان استفاده‌شده از سوی کمیسیون اروپا می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد که اتحادیه اروپا در مقابل چالش‌های جهانی و تهدیدات متوجه حکمرانی جهانی، مشارکت راهبردی را با اقتصادهای نوظهوری همچون چین بر اساس قواعد و ارزش‌هایی جهان‌شمول، چندجانبه‌گرایی و منافع مشترک دوجانبه در سطوح امنیتی و نظامی طراحی کرده است (Cihelkova et al., 2020: 1726-1727).

راهبردی بودن این روابط به بلندمدت بودن روابط با نگاه به نظم جهانی و حضور در کشورهای ثالث نیز اشاره می‌کند؛ این به معنای همکاری در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی در مناطق دیگر جهان همچون آفریقا و آمریکای لاتین به منظور حفظ صلح و امنیت جهانی تحت منشور سازمان ملل متحد است. از سوی دیگر، اتحادیه اروپا گفتگوی سطح عالی با چین را به‌عنوان ابزار راهبردی برای هماهنگ‌سازی چین با اتحادیه اروپا در درون مشارکت راهبردی در مسائل امنیتی و نظم جهانی نه تنها در روابط بین‌ان‌ها بلکه در دیگر مناطق جهان تعریف کرده است که در جدول ۱ ویژگی‌های کلی مشارکت راهبردی و تفاوت آن با همکاری را از نظر اتحادیه اروپا نشان داده شده‌اند؛ بنابراین سیالیت در تعریف مشارکت راهبردی به ماهیت سیال این نوع مشارکت بازمی‌گردد که اتحادیه اروپا با تعریف سیالی از مناطق جغرافیایی، حوزه‌های مشارکتی و نوع ابزارهای پیاده‌سازی این راهبرد به دنبال حداکثر سازی منافع مشترک خود با شرکای راهبردی همچون چین است.

¹ EU-China: Closer Partners, Growing Responsibilities

جدول ۱. نگاه اتحادیه اروپا به همکاری و مشارکت راهبردی		
ویژگی‌ها	همکاری	مشارکت راهبردی
حوزه فعالیت	محدود و تعریف شده	گسترده و سیال
ابزار	گفتگوهای دوجانبه	رژیم‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه
پیوند موضوعی	محدود	گسترده و پیچیده
ابعاد اساسی	اقتصادی و سیاسی	اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی

منبع: (Cihelkova et al., 2020)

۴- جایگاه چین در سیاست آسیایی اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا با توجه به اهمیت سیاست رفاه اجتماعی و محیط زیستی خود توجه ویژه‌ای به حوزه آسیا دارد؛ در این ارتباط، وابستگی اقتصادی اتحادیه اروپا به تجارت با کشورهای آسیایی و گره خوردن منافع راهبردی امنیتی اتحادیه با این کشورها اتحادیه اروپا را به اتخاذ سیاست‌های جدید در قبال غول‌های آسیایی چین و هند و همچنین اتحادیه آسه‌آن^۱ که کشورهای جنوب شرق آسیا را در برمی‌گیرند، سوق داده‌اند. در این میان، سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا در سپتامبر ۲۰۱۹ در قبال منطقه هند و آرام به صورت راهبردی باز (درب‌گیرنده تمامی کشورهای آسیایی از جمله چین و تایوان) که برای اولین بار ابعاد نظامی و امنیتی را نیز در برمی‌گیرد و فراگیر نیز نشان‌دهنده گره خوردن منافع اقتصادی و امنیتی اتحادیه اروپا با آسیا و همچنین نگاه اتحادیه اروپا برای یارگیری در شکل‌دهی به نظم جهانی و امنیتی با نگاهی بلندمدت است. در واقع، اتحادیه اروپا با تعریف چین، هند و ژاپن به‌عنوان شرکای راهبردی به دنبال ایجاد همکاری‌های بین‌المللی و در شکلی فرار و در قالب همکاری با هر یک از این شرکا در موضوعات مختلف تبدیل شدن به یک قدرت در منطقه هند و آرام را هدف گرفته است و با استفاده از نقطه قوت خود، یعنی قدرت هنجاری، استانداردسازی و سرمایه‌گذاری، به ظرفیت‌سازی در کشورهای منطقه هند و آرام و ایجاد قوانین تجاری و استانداردسازی

¹ ASEAN

در جهت منافع و مالکیت محلی همراه با رویکردی فراگیر در تجارت و سرمایه‌گذاری می‌پردازد (Moreschi, 2022). از سوی دیگر، رئیس کمیسیون اروپا اورسولا فون در لاین^۱ راه‌اندازی استراتژی جدید را به‌عنوان نقطه عطفی برای تبدیل شدن اتحادیه اروپا به بازیگر جهانی معرفی کرد که با اعلام یک ابتکار جدید اتصالی به نام «دروازه جهانی»^۲ به‌عنوان پاسخی به ابتکار کمربند و جاده چین در جهت ایجاد زیرساخت‌ها در منطقه همراه است (Moreschi, 2022: 3). در این میان، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ با عمق بخشیدن به اسناد راهبردی خود با چین، برای اولین بار از واژه «عمل متقابل» استفاده کرد و بر اهمیت وجود یک زمینه رقابت منصفانه در همه ابعاد همکاری‌ها تأکید کرد (Fanoulis & Song, 2022: 347). این بدین معنی است که اتحادیه اروپا افزایش سطح همکاری‌ها با چین را با رقابت در منطقه بزرگ هند و آرام که به گزارش سرویس خارجه اتحادیه اروپا به مرکز ثقل اقتصادی و استراتژیک جهان تبدیل شده است و تا سال ۲۰۳۰، بیشتر طبقه متوسط از آن خواهد بود، هم‌راستا می‌یابد (EEAS, 2022).

درعین‌حال، اتحادیه اروپا و آسیا شاهد افزایش سطح همکاری‌ها با برگزاری اجلاس آسیا-اروپا معروف به آسم^۳ به‌منظور ایجاد ارتباطات نهادینه‌شده و چندبخشی در سطوح وزرا، سیاستمداران عالی‌رتبه و کارشناسان بین اتحادیه اروپا و آسیا از سال ۱۹۹۶ هستند (Hwee, 2019). مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و ژاپن در سال ۲۰۱۹ و همچنین توافق کمیسیون اروپا و هند برای ایجاد شورای تجارت و فناوری مشترک نشان‌دهنده یارگیری اتحادیه اروپا از کشورهای بزرگ آسیایی برای اهداف راهبردی اتحادیه در ابعاد امنیتی، سیاسی و نظامی هستند. در واقع، در بعد فرهنگی و اجتماعی، فشار افکار عمومی و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی داخل اتحادیه اروپا برای افزایش نقش ارزش‌ها و هنجارهای لیبرال اتحادیه اروپا در تعاملات خارجی اتحادیه زمینه را برای افزایش همکاری‌ها با ژاپن و هند در همسایگی چین ایجاد کرده است. از سوی دیگر، منافع اقتصادی شرکت‌های چندملیتی اروپایی برای رقابت با شرکت‌های چینی در منطقه بعد اقتصادی راهبرد هند و آرام اتحادیه را تشکیل می‌دهند. در بعد حقوقی نیز اتحادیه اروپا

¹ Ursula von der Leyen

² Global Gateway

³ ASEM

با گسترش تعریف تعاملات خود با چین در درون راهبرد هند و آرام قصد ایجاد زمینه حقوقی مناسب برای ایجاد تغییرات در قوانین سخت‌گیرانه چین در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی و در عمل باز کردن درهای چین برای سرمایه شرکت‌های اروپایی است.

۵- سمت‌وسوی مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین

بنای مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین در سال ۲۰۰۳ به نوع تعریف اتحادیه اروپا از مشارکت راهبردی بازمی‌گردد. اتحادیه اروپا شرکای راهبردی خود را در آسیا به‌منظور پیشبرد اهداف راهبردی در حوزه‌های مختلف و سیالی همچون مقابله با گسترش تسلیحات هسته‌ای، حفظ محیط‌زیست و کاهش آثار گازهای گلخانه‌ای، کنترل بهای منابع طبیعی همچون گاز و نفت و ایجاد ثبات در مناطق ژئواستراتژیک جهان برای حفظ و رونق تجارت بین‌الملل در نظر می‌گیرد؛ در واقع، در مقابله با یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا اتحادیه اروپا با تعریف مشارکت راهبردی با کشورهای همچون چین، به دنبال ایفای نقش مؤثرتر اتحادیه اروپا در نظم جهانی و تأمین منافع اقتصادی اعضای اتحادیه هست (Maher, 2016). از سوی دیگر، این دیدگاه در اروپا که چین توسعه خود را در راستای وابستگی متقابل با دیگر کشورها و مشخصاً اتحادیه اروپا و بازی برد-برد تعریف کرده است، در زمان امضای مشارکت راهبردی حاکم بود (چگنی‌زاده، ۱۳۸۶).

درعین‌حال، بسیاری از شرکت‌های اروپایی از وجود محدودیت‌های ورود سرمایه به چین گلایه دارند. در مقابل چین نیز در سال ۲۰۱۸ در اسناد سیاست‌گذاری اتحادیه اروپای خود بیش‌ازپیش بر سیاست چین واحد و بخش‌های جدایی‌ناپذیر چین که از تبت تا تایوان را در برمی‌گرفت، تأکید کرد (Fanoulis & Song, 2022). اتحادیه اروپا در سند «اتحادیه اروپا و چین- رویکردی استراتژیک» خود از چین به‌عنوان «رقیب سیستمی» یاد می‌کند که نشان‌دهنده وجود چالش‌ها در حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و از دیدگاه گروهی از کارشناسان اروپایی، مشارکت راهبردی در فشار به چین برای اتخاذ ارزش‌ها و اصول جهانی اتحادیه اروپایی موفق نبوده است (Berkofsky, 2019: 1). باین‌وجود، ما شاهد افزایش همکاری‌های اتحادیه اروپا با چین

¹ EU-China – A Strategic Outlook

در تمامی ابعاد هستیم. این امر را بایستی به طرح کلان اتحادیه اروپا برای بازتعریف مبانی حقوقی، استانداردسازی و ارزشی در درون چین برای تأمین منافع شرکت‌ها و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی اتحادیه اروپا در چین و همچنین نگاه بلندمدت اتحادیه به چین به‌عنوان بازیگری که در عرصه‌های مختلف (همچون نشست‌های سازمان ملل متحد، روند صلح در خاورمیانه و مسائل امنیتی در آفریقا) می‌تواند به‌عنوان پشتیبان اتحادیه اروپا عمل کند، ارزیابی کرد. در همین راستا، مکانیسم غربالگری شرکت‌ها از سال ۲۰۱۷ به پیشنهاد آلمان، فرانسه و ایتالیا برای ایجاد محدودیت برای شرکت‌های خارجی دولتی و در عمل محدودسازی چین در سرمایه‌گذاری و خرید شرکت‌های با فناوری بالای اتحادیه منجر به امضای سند توافق سرمایه‌گذاری جامع توسط کمیسیون اروپا و رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۲۰ شد که امکان سرمایه‌گذاری چین در اتحادیه اروپا را در مقابل کاهش موانع غیرتعرفه‌ای چین فراهم کرد (Casarini, 2022). این امر نشان‌دهنده نگاه سیال اتحادیه اروپا به مشارکت راهبردی با چین به‌منظور دستیابی به منافع راهبردی اقتصادی و امنیتی اتحادیه با هماهنگ‌سازی چین در حوزه‌های مدنظر اتحادیه است.

۶- ابعاد مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا با چین

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، با توجه به سیالیت تعریف مشارکت راهبردی برای حداکثر سازی منافع اتحادیه اروپا در حوزه‌های مختلف و باز (تعریف‌نشده) و وجود ابزارهای مختلفی همچون گفتگوهای سطح عالی (بیش از ۵۰ حوزه) و دیگر رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و تعریف سیالی از مناطق جغرافیایی انجام مشارکت، ما شاهد روابط مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا با چین در ابعاد مختلف سیاسی- امنیتی، اقتصادی- تجاری، اجتماعی و فرهنگی و همکاری در مسائل بین‌المللی هستیم که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۶-۱- روابط سیاسی- امنیتی چین و اتحادیه اروپا

از زمان امضای مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین، روابط امنیتی معطوف به منافع مشترک در خاورمیانه و مقابله با گسترش تسلیحات جنگی و حفظ امنیت گذرگاه‌ها و تنگه‌های استراتژیک (همچون باب المندب و مالاکا) بوده است. از اهداف اصلی

مشارکت راهبردی آن‌گونه که در اسناد آن دیده می‌شود، اشتراک نظر در وجود نظام چندقطبی است که اتحادیه اروپا با توجه به جایگاه و حضور فعال چین در پیمان‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، پرونده هسته‌ای کره شمالی و حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران، چین را به‌عنوان شریکی راهبردی می‌بیند (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۷). در حوزه راهبردی از آغاز مشارکت، مسئله هسته‌ای ایران و کره شمالی بیشترین میزان توجه در همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و چین را در برمی‌گرفتند و در ادامه حمایت از همکاری‌های چندجانبه و نقش رهبری سازمان ملل در جنگ علیه تروریسم و مناقشه اسرائیل و فلسطین از دیگر راهبردهای مورد توافق طرفین در حوزه امنیت محسوب می‌شوند (Haslag, 2011). در بعد امنیتی، در گزارش سالانه مشارکت ۲۰۲۰، تأکید بر نقش چندجانبه‌گرایی در جهان چندقطبی نشان‌دهنده اهمیت سیاست خارجی مستقل برای اتحادیه اروپا است. ابتکارات حوزه امنیتی در سند مذکور بر ارتقای همفکری‌ها در حوزه امنیتی از طریق گفتگوی راهبردی سطح عالی اروپا-چین و افزایش همکاری در دیگر محافل مرتبط منطقه‌ای و بین منطقه‌ای تأکید دارند که به‌منظور نزدیک‌تر کردن چین به رویکرد اتحادیه در نظام بین‌الملل است (EEAS, 2020).

۲-۶- روابط اقتصادی چین و اتحادیه اروپا

بررسی گزارش‌های سالانه چین و اتحادیه اروپا در چارچوب مشارکت راهبردی نشان می‌دهد که حوزه اقتصادی و تجاری بیشترین اهمیت را داشته است و این ناشی از حساسیت پایین‌تر و منافع بالای شرکت‌های اتحادیه اروپا در چین است. افزایش تجارت بین اتحادیه اروپا با چین به‌گونه‌ای است که در سال ۲۰۲۰ برای اولین بار چین با پشت سر گذاشتن ایالات متحده آمریکا به بزرگ‌ترین شریک تجاری اتحادیه اروپا تبدیل شد (Aran, 2021). در همین ارتباط، توافق سرمایه‌گذاری جامع اتحادیه اروپا و چین در سال ۲۰۲۰ نشان‌دهنده علاقه اتحادیه اروپا به افزایش ارتباطات به حوزه‌های حساس‌تری همچون سرمایه‌گذاری و بهره‌مندی از بازار بزرگ چین است. درعین حال، ارتباط ابعاد اقتصادی مشارکت راهبردی با گفت‌وگوی سالانه سطح عالی اقتصادی و تجاری به‌عنوان محفلی برای برنامه‌ریزی و هدایت توسعه روابط اقتصادی و تجاری گویای تلاش اتحادیه در توسعه عمودی و عمق بخشیدن در کنار توسعه افقی و افزودن فضاها

گفتگو و همفکری اقتصادی است و این ویژگی در دیگر ابعاد روابط در هم‌تنیده اتحادیه اروپا و چین نیز دیده می‌شود. در واقع، اتحادیه اروپا با توجه به منافع گسترده شرکت‌های چندملیتی اتحادیه در تعاملات با چین، با ایجاد گفتگوهای سطح عالی به دنبال ایجاد بسترهای متنوع حقوقی-سیاسی برای نهادینه کردن هرچه بیشتر روابط اقتصادی با چین است.

۳-۶- روابط فرهنگی و اجتماعی اتحادیه اروپا و چین

اتحادیه اروپا با توجه به بند ۲۱ توافق لیسبون (۲۰۰۹) باید در کارکردها و سیاست خارجی بر اساس ارزش‌های اروپای که جهانی هم خوانده می‌شوند عمل کند و عمق بخشیدن عمودی روابط بین چین و اتحادیه اروپا، مستلزم نوعی مشارکت در سطح اجتماعی و فرهنگی با بسیج کردن جامعه در اروپا و چین است؛ با فشار گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، اتحادیه اروپا به دنبال عمق بخشیدن و متوازن کردن روابط در دیگر حوزه‌ها بوده است و تأکید بر ارزش‌ها در مشارکت راهبردی به‌منظور حرکت در این جهت بوده است. در همین ارتباط، اجلاس گفتگوی حقوق بشر بین چین و اتحادیه اروپا که به‌عنوان یک توافق سیاسی برای پایان دادن به تحریم چین بعد از وقایع میدان تینانمان از سال ۱۹۹۷ شکل گرفت، بعد از امضای مشارکت راهبردی به محفلی برای پرداختن به اختلافات اتحادیه اروپا و چین بر سر ارزش‌ها تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که در گزارش مشارکت راهبردی ۲۰۲۰ بر تقویت گفتگوی حقوق بشر اروپا-چین با گفتگوهای سازنده در زمینه‌های مورد توافق طرفین تأکید شده است (EEAS, 2020). اگرچه اتحادیه اروپا با تأکید بر ارزش‌های اروپایی و جهانی دانستن آن‌ها، خود را یک قدرت ارزشی می‌داند، تاکنون در اجلاس حقوق بشر بین این دو بلوک همگرایی مشخصی در ارزش‌ها حاصل نشده است. در حقیقت، تحت شرایطی که اتحادیه اروپا بر پابندی بر حقوق فردی، سیاسی و گروهی تأکید دارد، چین بسیاری از موارد خاصی را که اتحادیه اروپا در این گفتگوی حقوق بشری به‌عنوان تجاوز به حقوق فردی و سیاسی مطرح می‌کند را با ارجاع به‌قاعدۀ عدم دخالت در امور داخلی طرفین رد می‌کند (Taylor, 2020). با این وجود، تأکید بر تنوع فرهنگی در گزارش یادشده به‌صورت غیرمستقیم به مسئله مسلمانان اویغور در منطقه سین‌کیانگ اشاره دارد (EEAS, 2020).

درواقع، مشارکت موزون بر پایه ارتباطات فرهنگی استوار است و بر همین مبنی تلاش سران اتحادیه اروپا در گفتگوی مستقیم با بازیگران اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد در چین و سیاست‌گذاری‌ها برای افزایش ارتباطات مستقیم مردمی بین چین و اروپا و رشد جهانگردی حرکت می‌کنند (Fulda & Fabian, 2015). در همین ارتباط، در گزارش ۲۰۲۰ مشارکت راهبردی یکی از حوزه‌های اصلی ابتکارت چین و اتحادیه اروپا در حوزه فرهنگ و جوانان بوده است (EEAS, 2020).

با توجه به وابستگی متقابل اتحادیه اروپا و چین در حوزه‌های مختلف اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی-راهبردی، مخالفت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با حقوق بشر و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی داخلی در اروپا با افزایش همکاری‌ها با چین پیشران نهادینه شدن گفتگوهای حقوق بشری و ارزشی بین اروپا و چین و افزایش تعاملات مردمی در سطوح مختلف بوده‌اند. در حقیقت، با گسترش سطح وابستگی بین اتحادیه اروپا و چین، پارلمان اروپا با ارائه گزارش‌های جامع و انتقادی نسبت به رعایت حقوق کار، اقلیت‌ها و دیگر مسائل حقوق بشری نقش مهمی را در جهت‌دهی به ادامه مشارکت راهبردی به خود گرفته است و عدم تصویب سند توافق سرمایه‌گذاری جامع و موکول کردن آن بر کاهش نگرانی‌های پارلمان اروپا در رابطه با مسائل حقوق بشری از اهرم‌های گروه‌های اجتماعی و فرهنگی اتحادیه اروپا برای ایجاد تغییر در رفتار چین است.

۴-۶- همکاری اتحادیه اروپا چین و در سایر نقاط جهانی

همکاری‌های اتحادیه اروپا و چین فراتر از حوزه منطقه‌ای یادشده به منافع مشترک هر دو بلوک قدرت در دیگر مناطق همچون آفریقا نیز پرداخته است، به گونه‌ای که همکاری‌های اتحادیه اروپا-چین-آفریقا به صورت نشست و گفتگو در دستور کار قرار گرفته است. در این میان، دیگر نشست‌های اروپا-آسیایی چه در فرم اجلاس آسیا-اروپای آسم و یا سیاست‌گذاری هند و آرام اتحادیه اروپا همگی باهدف بسط و گسترش ابعاد همکاری‌ها و حتی ایجاد تغییر در سیاست‌های چین در کنار مشارکت راهبردی چین و اتحادیه اروپا وجود دارند. با این وجود، در درون مشارکت راهبردی اکثریت توجه اسناد همکاری معطوف به روابط دوجانبه است و میزان بسیار کمتری از امکانات اتحادیه

اروپا به بسط همکاری‌های مشارکت راهبردی فراتر از اروپا و چین معطوف شده است (Holslag, 2011). با این وجود، مشارکت راهبردی انعطاف‌پذیری بیشتر چین و نقش سازنده چین را در بعضی از بحران‌ها همچون حل و فصل بحران دارفور همراه داشته است. از سوی دیگر اتحادیه اروپا با مرتبط کردن همکاری‌های مشارکت راهبردی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو، سازمان تجارت جهانی، سازمان بهداشت جهانی و آسم در حوزه‌های با منافع مشترک از پشتیبانی چین بهره برده است.

۷- موانع و چالش‌های موجود بر سر راه روابط راهبردی

وابستگی‌های متقابل مستقیم اقتصادی بین اروپا و چین که با ورود پارلمان اروپا و گروه‌های ذی‌نفع اجتماعی و فرهنگی به حوزه‌های حقوق بشری و فرهنگی هم‌گسترش یافته‌اند بستر مناسبی برای تقویت هر چه بیشتر مشارکت راهبردی چین و اتحادیه اروپا فراهم آورده‌اند؛ این مسیر با موانعی نیز روبرو است که می‌تواند این روابط را تحت تأثیر قرار دهند. از چالش‌های اصلی در گسترش همکاری‌های مشارکت راهبردی چین و اتحادیه اروپا می‌توان به اختلافات داخلی درون اتحادیه اروپا، ابتکار کمربند و راه و گروه ۱+۱۷ چین، وضعیت به رسمیت شناختن چین به عنوان اقتصاد بازار محور و تأثیر روابط فرا آتلانتیک و بحران اوکراین اشاره کرد.

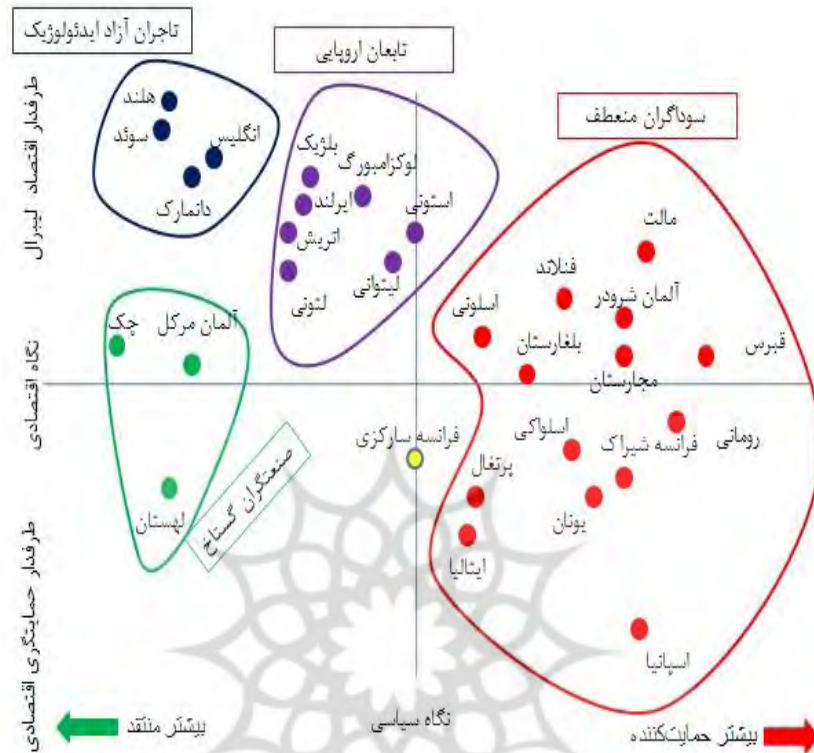
۱-۷- اختلافات داخلی درون اتحادیه اروپا

با توجه به وابستگی متقابل اتحادیه اروپا و چین نحوه تعامل با چین از مسائل اساسی برای اعضای اتحادیه اروپا است. چین اکنون شیوه استفاده از اختلاف میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای پیشبرد منافع خود را به خوبی یاد گرفته است. این کشور رابطه خود با اتحادیه اروپا را همچون یک بازی شطرنج تلقی می‌کند که در یک طرف او قرار دارد و در طرف دیگر تخته ۲۷ رقیبی که بازی را شلوغ کرده‌اند و با یکدیگر در خصوص اینکه چه مهره‌ای را باید جابجا کرد کلنجار می‌روند. این وضعیت برای او جای هیچ پرسشی باقی نمی‌گذارد که کدام طرف برای پیشبرد بازی در وضعیت بهتری قرار دارد. بر این اساس پان وی^۱ از اساتید دانشگاه در چین گفته است «اتحادیه اروپا ضعیف است، از نظر سیاسی متفرق است و از نظر نظامی غیر تأثیرگذار. از نظر اقتصادی

¹ Pan Wei

یک گول است اما ما دیگر از آن نمی‌ترسیم زیرا میدانیم بیشتر از آنکه ما به اتحادیه اروپا نیاز داشته باشیم این اتحادیه اروپا است که به ما نیاز دارد.» چین اکنون از قدرت و توان خود آگاه است و دیگر آن را مخفی هم نمی‌کند. از سوی دیگر ۲۷ عضو اتحادیه اروپا بر سر دو موضوع اساسی دچار دودستگی شده‌اند: اینکه چگونه تأثیر چین بر اقتصاد اروپا را مدیریت کنند و اینکه چگونه چین را از نظر سیاسی به‌کارگیرند و مشارکت دهند. در شکل شماره سیاست‌ها و اقدامات جداگانه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در چارچوب دو محور افقی اقتصادی و محور عمودی سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. مهم‌ترین سیاست‌ها و اقداماتی که مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از موضع در قبال تایوان، موضع در قبال تبت، تمایل برای دیدار با دالایی لاما، اهمیت موضوعات حقوق بشری، تمایل برای طرح مسائل جهانی همچون موضوع ایران و سودان با چین، رأی دادن به موضوعات ضد دامپینگ، موضع درباره کسری تجاری، رویکرد نسبت به سرمایه‌گذاری چین در اروپا و مهم‌تر از همه دیدگاه‌های سیاسی درباره چین. بر این اساس کشورهای عضو از نظر اقدامات حمایت‌گرانه یا انتقادآمیز از چین در راست یا چپ محور عمودی و از نظر موافق آزادی بیشتر تجارت بودن یا حمایتگری تجاری در بالا و پایین محور افقی قرار می‌گیرند (Fox & Godement, 2009: 3-4).

شکل ۱. نوع نگاه اعضای اتحادیه اروپا به چین



منبع: (Fox & Godement, 2009: 3-4)

بر اساس این تحلیل همان‌طوری که در شکل شماره ۱ نشان داده شده می‌توان کشورهای عضو اتحادیه اروپا را به چهار گروه زیر تقسیم کرد: صنعتگران گستاخ^۱: این گروه شامل آن دسته از کشورها است چین را با مطالبات حوزه‌های مختلف تحت فشار قرار می‌دهند و دید سیاسی و اقتصادی خود را به چین تحمیل می‌کنند که گروه کوچک و شامل کشورهای جمهوری چک، آلمان و لهستان می‌شود (Oehler-Şincal, 2017).

تاجران آزاد ایدئولوژیک^۲: این گروه روابط خود با چین را روابط ویژه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری نمی‌دانند و شامل دانمارک، هلند، سوئد و انگلیس است.

^۱ Assertive Industrialists

^۲ Ideological Free-Traders

سوداگران منعطف^۱: این گروه شامل آن دسته از کشورها است که بر این باور هستند که روابط خوب سیاسی به منافع اقتصادی ختم خواهد شد و لولویت با روابط اقتصادی است و شامل کشورهای بلغارستان، قبرس، فنلاند، یونان، مجارستان، ایتالیا، مالت، پرتغال، رومانی، اسلواکی، اسلونی و اسپانیا است (Oehler-Şincai, 2017).

تابعان اروپایی^۲: اعضای از اتحادیه اروپا هستند که هنگام تنظیم روابط خود با چین به اتحادیه اروپا احترام می‌گذارند و شامل اتریش، بلژیک، استونی، ایرلند، لتونی، لیتوانی و لوکزامبورگ هستند. این گروه‌بندی و تقسیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا از منظر رویکرد آن‌ها در تعامل با چین به چهار گروه فوق‌الذکر امری نسبی است که احتمالاً با هرگونه تغییر حکومت در کشورهای عضو اتحادیه می‌تواند سیاست آن‌ها در قبال چین و به تبع آن جای آن‌ها در گروه‌ها را تغییر دهد. با این وجود این گروه‌بندی‌ها یا هر نوع گروه‌بندی دیگری که بتواند بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا از منظر رویکرد آن‌ها به چین ایجاد کرد نشان از وجود منازعاتی بین این کشورها حکایت می‌کند که با توجه به افزایش سطح وابستگی‌ها بین چین و اتحادیه اروپا انسجام اتحادیه اروپا در تعامل با چین را تضعیف می‌کند و مشارکت راهبردی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲-۷- چالش به رسمیت شناخته شدن وضعیت اقتصاد چین به عنوان اقتصاد بازار

موضوع به رسمیت شناختن وضعیت اقتصاد چین از سوی اتحادیه اروپا به عنوان اقتصاد بازار یکی از چالش‌های روابط مشارکت راهبردی است. اگرچه اکنون بسیاری از کشورها وضعیت اقتصاد چین به عنوان اقتصاد بازار را به رسمیت شناخته‌اند، اما هنوز اتحادیه اروپا همراه با آمریکا و ژاپن اقتصاد چین به عنوان وضعیت اقتصاد بازار^۳ را به رسمیت نشناخته است. اصطلاح «اقتصاد غیر-بازار»^۴ اولین بار بر اساس قانون تعرفه سال ۱۹۳۰ ایالات متحده آمریکا^۵ به منظور تمایز رفتار با کشورهای سوسیالیستی ایجاد شد. این اصطلاح بعداً در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۶ گنجانده شد.

¹ Accommodating Mercantilists

² European Followers

³ Market Economy Status

⁴ Non-Market Economy (NME)

⁵ The Tariff Act of 1930

⁶ General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

دلیل گنجانده شدن مفاد این موضع در گات آن بود که کشورهای سرمایه‌داری عضو این سازمان بر این باور بودند که قیمت‌ها و هزینه‌های فروش داخلی محصولات کشورهای سوسیالیستی به دلیل کنترل بالای داخلی اقتصاد این کشورها از طریق پرداخت یارانه به تولیدکنندگان داخلی، انحصاری کردن تجارت خارجی و کنترل شدید نرخ ارز قابل اعتماد نیست (Zhou & Peng, 2018). با توجه به وضعیت بالا صادرکنندگان چینی غالباً مشمول تحقیقات ضد دامپینگ کشورهای اروپایی واقع می‌شوند و در اکثر موارد علیه آن‌ها دامپینگ اعمال می‌شود. آنچه اکنون بین دو طرف مناقشه آمیز شده است پایان یا عدم پایان وضعیت اقتصاد غیر-بازار چین است زیرا مفاد ماده ۱۵ تصریح کرده که مفاد بند ۲ قسمت الف ماده ۱۵ دائمی نیست و ۱۵ سال پس از عضویت چین در سازمان جهانی تجارت باید به پایان می‌رسد (Zhou & Peng, 2018). با این وجود، اتحادیه اروپا همچنان تمایلی برای به رسمیت شناخته شدن چین به عنوان اقتصاد بازار ندارد و علی‌رغم اینکه چین در سال ۲۰۱۹ نحوه محاسبه حاشیه ضد دامپینگ اتحادیه اروپا بر اساس وضعیت غیر-بازار را پس از سال ۲۰۱۶ به چالش کشید، هرچند که مناقشه بدون گزارشی از سوی هیئت داوران به پایان برسد (Hillman, 2022). در مقابل، چین نیز رسماً شروع به چالش مفاهیم اصلی نظم تجاری لیبرال در مورد «بی‌طرفی رقابتی» کرده است. بی‌طرفی رقابتی در ارتباط با ایجاد زیربنای حقوقی تضمین‌کننده عدم دریافت ناعادلانه مزایا به اتکای وضعیت مالکیت دولتی شرکت‌ها در رقابت با شرکت‌های خصوصی و چندملیتی تحت ماده ۱۷ گات ۱۹۴۷ هست. در واقع، چین اکنون پا را از این فراتر گذاشته و در مقابل خواستار انعطاف‌پذیری و اصلاحات در سازمان تجارت جهانی به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه شرکت‌های تحت مالکیت دولتی است و در این راستا، پنگ هواگانگ، معاون رئیس‌جمهوری وقت در سال ۲۰۱۸، با ارائه مفهوم «بی‌طرفی مالکیتی» خواستار جلوگیری از تنظیم قوانین مختلف برای شرکت‌های ذیل سیستم‌های مالکیت مختلف شد (Mcdonagh, 2021: 12).

۳-۷- پیامدهای ابتکار کمربند و راه و گروه ۱+۱۷

اتحادیه اروپا علی‌رغم همکاری با چین و امضای مشارکت راهبردی، با تعریف همکاری‌ها در سطوح مختلف و مشارکت راهبردی با دیگر کشورهای آسیایی به

مدیریت همکاری و رقابت با چین پرداخته است. در مقابل، چین نیز اروپا را در اتحادیه اروپا خلاصه نمی‌کند. در واقع، تلاش کشورهای اتحادیه اروپا برای نشان دادن اتحاد و یکپارچگی که بازار مشترک اتحادیه موفق‌ترین نمونه آن است، تفاوت‌های عمیق فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی کشورهای عضو را مخفی نمی‌کند. در عین حال، با توجه به زمان‌بر بودن مذاکرات پیوستن به اتحادیه اروپا در کشورهای کاندیدای پیوستن به اتحادیه اروپا در مناطق راهبردی بالکان غربی و اروپای شرقی، چین این کشورها را به صورت کانال‌های ارتباطی جدید با اتحادیه اروپا می‌بیند که بیش از آنکه تابع قوانین اتحادیه اروپا باشند، اعضای خنثی اروپایی محسوب می‌شوند؛ بنابراین، چین نیز با توسعه افقی روابط خود با اروپا، با ایجاد سازوکارهایی همچون اجلاس ۱+۱۷ (چین و اروپای مرکزی و شرقی) و همچنین ابتکار کمربند و راه، تعدادی از اعضای اتحادیه اروپا را وارد روابط نهادی با خود خارج از چارچوب اتحادیه اروپا کرده است. در واقع، تعریف اجلاس ۱+۱۷ که در سال ۲۰۱۲ در اجلاس ورشو لهستان پایه‌ریزی شد و شامل اعضای اروپای مرکزی و شرقی اتحادیه اروپا با سابقه کمونیستی و همچنین کاندیداهای پیوستن به اتحادیه اروپا در بالکان غربی هست، در جهت توسعه بیشتر روابط با اتحادیه اروپا به صورت غیرمستقیم برای رقابت بیشتر در زمینه‌های فناوری و سرمایه‌گذاری است (Gruebler, 2021). از آنجایی که کشورهای بالکان غربی عضو اتحادیه اروپا نیستند، بسیاری از قوانین سخت اتحادیه اروپا برای سرمایه‌گذاری (همچون محدودیت‌ها برای شرکت‌ها با حاکمیت نسبی دولتی) و همچنین انتقال فناوری در این کشورها قابلیت حقوقی و اجرا ندارد و بر همین مبنا صربستان بالاترین جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از چین را میان کشورهای ۱+۱۷ دارا هست. عدم پیوستن مجارستان به توافق فضای سایبری ایالات متحده آمریکا و حضور شرکت هواوی^۱ برای ایجاد شبکه فایو جی^۲ نشان‌دهنده موفقیت ابتکار کمربند و راه و گروه ۱+۱۷ چین است (Moldicz, 2021: 5). در عین حال، چین از سه مسیر یعنی بانک توسعه چین و بانک صادرات و واردات چین و همچنین به میزان کمتر شرکت‌های دولتی اقدام به سرمایه‌گذاری در

¹ Huawei

² 5G network

کشورهای عضو ۱۷+۱ و ابتکار کمربند و راه می‌کند. در این ارتباط، بیشتر سرمایه‌گذاری چین در کشورهای عضو اتحادیه اروپا از طریق مناقصه عمومی رقابتی توسط بانک توسعه چین قابل اجرا هستند و به‌کندی پیشرفته است. در مقابل، در مورد کشورهای کاندیدای عضویت اتحادیه اروپا در بالکان غربی مسیر بانک صادرات و واردات چین محور اصلی بوده است که بیشتر بر اساس وام‌های دولت به دولت بدون قید و شرط صورت می‌گیرد و حاصل آن انجام بالای پروژه‌های زیربنایی در این کشورها و جذب بیش از ۶ میلیارد دلار آمریکا از این بانک بدون هرگونه مانعی بوده است (Krpac & Wise, 2021). ابتکار کمربند و راه همچنین با ایجاد زیربنای راه‌های ارتباطی لازم برای اتصال چین و روسیه و اروپای مرکزی و شرقی و مسیر دریایی بین بنادر یونان و بالکان غربی با حمایت مالی بانک صادرات و واردات چین، مسیر انتقال کالا از چین به بازار مشترک اتحادیه را فراهم می‌کند (Wang et al., 2021; Gniedziejko & Rybiński, 2021)؛ در واقع، در این منطقه ما شاهد نقش‌آفرینی هم‌زمان گروه‌های فرهنگی و اجتماعی برای نزدیکی بیشتر به اتحادیه اروپا و از سوی دیگر وابستگی اقتصادی به چین هستیم. اجلاس ۱۷+۱ که ماهیتی انحصاری و منطقه‌ای دارد و با دور زدن بعضی از قوانین اتحادیه اروپا در بالکان غربی همراه است با اعتراض گاه‌وبیگاه کشورهای اروپای غربی که در آن عضو نیستند مواجه شده است. از سوی دیگر، کشورهای بالتیک با توجه به نقش کم‌رنگ آن‌ها در چارچوب تعریفی چین نیز به پروژه‌های زیربنایی چین در منطقه با نگاه منفی نگاه می‌کنند؛ بنابراین، ابتکاراتی همچون کمربند و راه و اجلاس ۱۷+۱ منجر به افزایش چنددستگی و کاهش انسجام مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و چین شده است.

۴-۷- تأثیرات روابط فرا آتلانتیک بر روابط اتحادیه اروپا به چین و بحران اوکراین
از دیگر چالش‌های پیشروی اتحادیه اروپا درون مشارکت راهبردی با چین تأثیر سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در حوزه آسیا و عضویت اعضای اتحادیه در پیمان سازمان آتلانتیک شمالی یا ناتو در قبال چین است. گفتگوی امنیتی چهارجانبه^۱ که با

¹ Quadrilateral Security Dialogue

اصولی همچون پایبندی به دموکراسی، نظم مبتنی بر قانون و رایگان و منطقه اقیانوسی هند و آرام باز و فراگیر به صورت یک گروه‌بندی بسته در سال ۲۰۰۷ بین ایالات متحده آمریکا، هند، ژاپن و استرالیا شکل گرفت، خود را پشتیبان کشورهای آسیایی در منطقه آرام و هند در مقابل قدرت نوظهور و مدعی چین معرفی می‌کند. با توجه به مسئله تایوان و اختلافات مرزی هند، ژاپن و بسیاری از کشورهای حاشیه دریای جنوبی چین با چین، این گروه‌بندی باهدف استراتژیک مهار چین خود را نیرویی برای خیر جهانی معرفی می‌کند (Graham, 2018). این در حالی است که اتحادیه اروپا راهبرد هند و آرام خود را در سپتامبر ۲۰۲۱ با توجه به اهداف و کارکردهای سیال مشارکت‌های راهبردی اتحادیه و کشورهای آسیایی همچون چین، ژاپن و هند به‌منظور نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگر اصلی در یک نظام چندقطبی، یک منطقه باز در آسیا با حضور چین تعریف کرده است. البته اتحادیه اروپا با نام بردن از تایوان در راهبرد هند و آرام خود از کارت تایوان نیز برای رقابت با چین استفاده نموده است؛ با این وجود، پس از اعلام افتتاح دفتر نمایندگی تایوان در لیتوانی (با نام تایوان و نه چین تایپه) در بهار ۲۰۲۱، چین به تحریم‌های یک‌جانبه در حوزه کشاورزی و تجاری در قبال لیتوانی دست زد که با توجه به عدم انسجام داخلی از سوی اتحادیه اروپا بی‌پاسخ گذاشته شد (Bondaz, 2022). در عین حال، اتحادیه اروپا در گسترش روابط خود با کشورهای آسیایی با فشار ایالات متحده آمریکا برای جبهه‌گیری در قبال چین و همراهی آن برای ایجاد یک منطقه امنیتی برای مهار چین روبه‌رو هست.

در همین ارتباط، بحران اوکراین حوزه‌های همکاری اتحادیه اروپا و چین در اروپای شرقی را در درون مشارکت راهبردی محدود ساخته است. در واقع، اتحادیه اروپا برای نقش‌آفرینی مؤثرتر و روابط تیره با روسیه نیاز به یارگیری از چین و پشتیبانی آن در چارچوب‌های امنیتی اروپای شرقی در سازمان‌های بین‌المللی و رژیم‌های امنیتی منطقه است؛ حال آنکه، بحران اوکراین عملاً منجر به دشواری همکاری با چین در شرق اروپا برای پیشبرد منافع اتحادیه اروپا شده است. با توجه به روابط نزدیک چین و روسیه و تأکید سران دو کشور بر دوستی بدون حدود مرز تنها ۲۰ روز قبل از آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین، اتحادیه اروپا با فشار ایالات متحده آمریکا در غالب ناتو و افکار

عمومی برای موضع‌گیری آشکارتر علیه چین و هماهنگ‌سازی راهبرد هند و آرام خود با ایالات متحده آمریکا و گفتگوی امنیتی چهارجانبه روبه‌رو شده است. (Denisov, 2022) بنابراین، پس از وقایع اوکراین و همچنین مسئله به رسمیت شناختن تایوان، اتحادیه اروپا در روابط با چین با چالش بازتعریف راهبرد هند و آرام خود تحت فشار ایالات متحده آمریکا روبه‌رو شده است؛ درعین‌حال، اتحادیه اروپا به دنبال حفظ ماهیت مستقل خود در مقابل ایالات متحده آمریکا است زیرا ایالات متحده آمریکا به دنبال محدود کردن تعریف اتحادیه اروپا به‌عنوان جزئی حقوقی و سیاسی از ناتو و یاریگری وابسته به ناتو است؛ بنابراین، مشارکت راهبردی با چین با توجه به سیالیت و مبهم بودن ماهیت آن توانایی استفاده از قدرت و نفوذ چین برای ایجاد فضا برای اتحادیه اروپا در مقابل فشارهای ایالات متحده آمریکا را فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با بررسی روابط اتحادیه اروپا و چین درصدد پاسخ به این سؤال بود که عوامل مؤثر بر حرکت اتحادیه اروپا به سمت یک مشارکت راهبردی با چین و تنگناها و موانع موجود بر سر راه این مشارکت چه بوده‌اند؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که نگاه مشترک به نظم جهانی، چندجانبه‌گرایی و منافع مشترک اقتصادی به امضای مشارکت راهبردی اروپا و چین انجامیده‌اند و در مقابل اختلافات داخلی درون اتحادیه اروپا، ابتکار کمربند و راه چین، وضعیت به رسمیت شناختن چین به‌عنوان اقتصاد بازار محور و تأثیر روابط فرا آتلانتیک و بحران اوکراین از چالش‌های روابط هستند. در این ارتباط، از چارچوب نظری وابستگی متقابل پیچیده برای بررسی همکاری و رقابت بین اتحادیه اروپا و چین استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که افزایش سطح تعاملات اقتصادی اروپا و چین و تعریف خاص اتحادیه اروپا از مشارکت راهبردی با عنصر سیالیت همکاری‌ها در مناطق جغرافیایی، حوزه‌های مشارکتی و نوع ابزارهای پیاده‌سازی این راهبرد به‌منظور نقش‌آفرینی قوی اتحادیه اروپا به‌عنوان قدرتی هنجاری و مؤثر در نظم جهانی چندقطبی زمینه تعریف روابط چین و اتحادیه اروپا در درون مشارکت راهبردی را فراهم آورد. در واقع، خواستگاه مشارکت راهبردی فراتر از روابط اروپا و چین به دیگر مناطق جهان در جهت تقویت نظام چندقطبی جهانی و با نگاه چندجانبه

گرایی ظهور و بروز کرده است. درعین حال، نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که اتحادیه اروپا از نبود انسجام داخلی و نگاه مشترک اقتصادی و سیاسی رنج می‌برد که منجر به ایجاد فرصت‌های مختلف برای چیره شدن توان چین در موازنه همکاری و رقابت از طریق سازوکارهایی همچون گروه ۱+۱۷ و ابتکار کمربند و راه چین شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند که اتحادیه اروپا تحت فشار گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و افکار عمومی که در پارلمان اروپا تبلور می‌یابند، با دخیل کردن گروه‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق گفتگوهای سطح عالی اجتماعی، حقوق بشری و فرهنگی و تبادلات مستقیم مردمی در جهت تغییر رفتار چین و اعمال ارزش‌های اروپایی در مشارکت راهبردی خود با چین است که خود به صورت پیشرانی در توسعه وابستگی‌ها در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کند. در مقابل، با توجه به وجود محدودیت‌های مختلف سرمایه‌گذاری و عدم به رسمیت شناختن چین به عنوان اقتصاد بازار محور، چین با استفاده از ابتکار کمربند و راه و گروه ۱+۱۷ به همکاری مستقیم دوجانبه با اعضای اروپای مرکزی و شرقی اتحادیه و همچنین کشورهای کاندیدای عضویت به اتحادیه اروپا در بالکان جنوب غربی پرداخته و بسیاری از سازوکارهای محدودکننده همکاری اتحادیه اروپا را ناکارآمد ساخته است؛ بنابراین، افزایش همکاری‌ها بین چین و اعضای اتحادیه اروپا در جهت افزایش امکان چانه‌زنی و رقابت در درون روابط چین و اتحادیه اروپا خودنمایی می‌کند. درعین حال، اتحادیه اروپا با تعریف راهبرد هند و آرام خود، در عرصه رقابت با چین به دنبال افزایش همکاری‌ها در عرصه‌های متنوع با دیگر قدرت‌های آسیایی و همسایه چین هست تا از این طریق با بهره‌گیری از سیالیت در ابتکارها و حوزه‌های همکاری و شرکای راهبردی خود را به صورت یک قدرت تعیین‌کننده در آسیا معرفی کند و درعین حال چین را برای تغییر رفتار و سیاست‌های اقتصادی خود به منظور افزایش رقابت‌پذیری شرکت‌های اروپایی در چین مجبور کند. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که اختلافات داخلی درون اتحادیه اروپا، ابتکار کمربند و راه چین، وضعیت به رسمیت شناختن چین به عنوان اقتصاد بازار محور و تأثیر روابط فرا آتلانتیک از چالش‌های روابط هستند. در واقع، چنددستگی ناشی از ابتکارات و سرمایه‌گذاری چین در اروپای شرقی و بالکان منجر به کاسته شدن فرصت

اجماع در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و نظامی در سطح کمیسیون اروپا می‌شود که بر روند مشارکت راهبردی و استفاده از ظرفیت‌های آن برای اتحادیه اروپا تأثیر منفی گذاشته است. در ارتباط با تأثیر روابط فرا آتلانتیک، مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا با چین در جهت استفاده از منافع مشترک در حوزه‌های مختلف در جهت متوازن کردن روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا و مقابله با نگاه محدودکننده ایالات متحده به اتحادیه اروپا به‌عنوان بخشی از ساختار سیاسی-نظامی ناتو عمل می‌کند. در عین حال، بحران اوکراین محدودیت‌های جدیدی را برای بهره‌گیری اتحادیه اروپا از نفوذ چین در مجامع بین‌المللی و رژیم‌های امنیتی-حقوقی در اروپای شرقی ایجاد کرده است. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهند که چالش بحران اوکراین هم‌زمان با فشارها بر اعضای اتحادیه به‌منظور اتخاذ تصمیمات در سطح کمیسیون اتحادیه اروپا برای بازتعریف سیاست راهبردی هند و آرام خود و هماهنگ‌سازی آن با تعریف محدودکننده و ضد چین ایالات متحده آمریکا همراه است.

منابع

- جهانگیری، سعید و ساعی، احمد (۱۳۹۸). واکاوی رویکرد دستیابی چین به جایگاه قدرت اقتصادی جهانی. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۳ (۱)، ۴۵-۸۲.
- چگنی‌زاده، غلامعلی (۱۳۸۶). قدرت یابی چین، رویکردی نظری به تغییر در سیاست بین‌الملل. پژوهش حقوق و سیاست، ۹ (۲۲)، ۸-۴۰.
- صباغیان، علی (۱۳۸۶). تأثیر جهانی شدن بر روند الحاق چین به سازمان جهانی تجارت. پژوهش‌های تجارت جهانی، ۶، ۱-۲۴.
- نریمانی، گلناز، اخوان کاظمی، مسعود و صادقی، سید شمس‌الدین. (۱۳۹۷). تحلیلی بر راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱ (۴۳)، ۲۰۲-۱۶۵.

Aran, A. (2021). China Overtakes the U.S. as EU's Largest Trade Partner. *Visualcapitalist*, April 30 at <https://www.visualcapitalist.com/china-displaces-u-s-as-the-eus-largest-trade-partner/>

- Berkofsky, A. (2019). China and the EU: “Strategic Partners” No More. *Institute for Security & Development Policy*, December 1 at <https://isdip.eu/publication/china-and-the-eu-strategic-partners-no-more/>
- Bondaz, A. (2022). Strengthening economic cooperation while defending the status quo: the deepening of relations between Europe and Taiwan. *Robert Schuman Centre*, January 19 at <https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/1814/73605/QM-AX-22-007-EN-N.pdf?sequence=1>
- Cabestan, J. P. (2006). European Union-China Relations and the United States. *Asian Perspective*, 30(4), 11-38.
- Casarini, N. (2022). A European strategic “third way?” The European Union between the traditional transatlantic alliance and the pull of the Chinese market. *China International Strategy Review*, 1-17.
- Cihelkova, E., Nguyen, H. P., Fabuš, M., & Čimová, K. (2020). The EU concept of the 'strategic partnership': identifying the 'unifying' criteria for the differentiation of strategic partners. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 7(3), 1723-1739.
- Denisov, I. (2022). ‘No limits’? Understanding China’s engagement with Russia on Ukraine. *The Diplomat*, March 24 at <https://thediplomat.com/2022/03/no-limits-understanding-chinas-engagement-with-russia-on-ukraine/>
- EC (2022). President von der Leyen in India: Advancing a Strategic Partnership. *EC*, April 26 at https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/IP_22_2648
- EEAS (2020). EU-China 2020 Strategic Agenda for Cooperation. EEAS, at 2022, April 12 from https://eeas.europa.eu/archives/docs/china/docs/eu-china_2020_strategic_agenda_en.pdf
- EEAS (2022). EU Strategy for Cooperation in the Indo-Pacific. *EEAS*, at April 12 from https://www.eeas.europa.eu/eeas/eu-strategy-cooperation-indo-pacific-0_en
- El-Agraa, A. M. (2007). The EU/China relationship: not seeing eye to eye?. *Asia Europe Journal*, 5(2), 193-215.
- EU-China summit joint statement (2019). *Council of the European Union*, April 9 at <https://www.consilium.europa.eu/media/39020/euchina-joint-statement-9april2019.pdf>
- Feng, Z. (2022). Internal and external factors affecting China–EU relations. *China International Strategy Review*, 1-17.
- Fanoulis, E., & Song, W. (2022). Cooperation between the EU and China: A post-liberal governmentality approach. *Review of International Studies*, 48(2), 346-363.
- Fox, J., & Godement, F. (2009). *A power audit of EU-China relations* (pp. 20-27). London: European Council on Foreign Relations.
- Garcia-herrero, A., Wolff, G., Poitiers, N., Felbermayr, G., Langhammer, R., Liu, W. H., & Sandkamp, A. (2020). EU-China Trade and Investment Relations in Challenging Times, Study Requested by the INTA Committee. *Social Science Research Network: Rochester, NY, USA*.

- Gabusi, G. (2019). No Losers? The BRI Factor in the China–EU Relationship. *China: An International Journal*, 17(4), 96-108.
- Gniedziejko, J., & Rybiński, Ł. (2021). Podlaskie Voivodeship as an Opportunity for the Development of the BRI in Europe. *WSEAS Transactions on Business and Economics*, 18, 338-344.
- Gruebler, J. (2021). China connecting Europe?. *Asia Europe Journal*, 19(1), 77-101.
- Hemminga, L. (2020). Will Germany Set the Tone Again for Europe’s Asia Policy?. *The diplomat*, at September 5, from <https://thediplomat.com/2020/09/will-germany-set-the-tone-again-for-europes-asia-policy/>
- Hillman, J. A. (2022). China’s Entry into the WTO—A Mistake by the United States?. Georgetown University Law Center.
- Holslag, J. (2011). the elusive axis: assessing the EU–china strategic partnership. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 49(2), 293-313.
- Huang, Y. (2019). Deutsche Chinapolitik unter Helmut Kohl. In *Die Chinapolitik der Bundesrepublik Deutschland nach der Wiedervereinigung* (pp. 53-91). Springer VS, Wiesbaden. (in German)
- Hwee, Y. L. (2019). Asia-Europe Meeting: Contemporary Challenges and the Way Forward. Asia Policy Brief Issue 2019 No. 12 August 2019.
- Graham, E. (2018). The Quad deserves its second chance. *Debating the Quad*, 4.
- Isufi, N. (2020). DIPLOMATIC RELATIONS BETWEEN EUROPEAN UNION AND CHINA. *JUSTICIA–International Journal of Legal Sciences*, 8(13-14), 154-160.
- Krpec, O., & Wise, C. (2021). TL SI-06 Grand Development Strategy or Simply Grandiose? China's Diffusion of Its Belt & Road Initiative into Central Europe. *New political economy*, 1-17.
- Ma, Y. (2022). Trade balance of the European Union with China from 2011 to 2021. *Statista*, April 5 at <https://www.statista.com/statistics/257155/eu-trade-with-china>
- Maher, R. (2016). The elusive EU-China strategic partnership. *International Affairs*, 92(4), 959-976.
- Mcdonagh, N. (2021). How China challenges the liberal trade order: Coercion, contestation and the socialist market economy. (March 10, 2022). SSRN, May 1 at <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3966854>
- Mija, V., & Teosa, V. (2014). Is the Complex Interdependence the last Evolution of Globalization. *Materialele Conferinței Științifice Internaționale „Political Science, International Relations and Security Studies,” Ediția VIII, Sibiu*, 165-175.
- Moldicz, C. (2021). Changing foreign policies of the Visegrad countries after the global pandemic (2020-2021). *China-CEE Institute*, November 10 at https://china-cee.eu/wp-content/uploads/2021/11/Working_paper-202104-Csaba-Moldicz.pdf
- Moreschi, A. (2022). The Case for a ‘Links, Not Dependencies’ Approach to EU Engagement in the Indo-Pacific. *Observer Research Foundation*,

- January 1 at https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2022/01/ORF_IssueBrief_519_EU-IndoPacific.pdf
- Oehler-Şincal, I. M. (2017). China'Image: A Theoretical and Practical Framework. *Global Economic Observer*, 5(2), 72-78.
- Pavličević, D. (2022). Contesting China in Europe: Contextual Shift in China-EU Relations and the Role of "China Threat". In *The China Question* (pp. 67-92). Palgrave Macmillan, Singapore.
- Rana, W. (2015). Theory of complex interdependence: A comparative analysis of realist and neoliberal thoughts. *International journal of business and social science*, 6(2).
- Rolland, J. (2015). The European Union and China: Adversaries or Allies.
- Sajdak, W. A. (2013). Assessing Strategic Partnership Policy. *L'Europe en Formation*, (4), 123-131.
- Smith, M., & Xie, H. (2010). The European Union and China: The Logics of 'Strategic Partnership'. *Journal of Contemporary European Research*, 6(4), 432-448.
- Taylor, M. R. (2020). Inside the EU-China Human Rights Dialogue: assessing the practical delivery of the EU's normative power in a hostile environment. *Journal of European Integration*, 1-16.
- Towards A New Asia Strategy 1994. (1994). *EU Commission*, at 13 July from <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:51994DC0314&from=EN>
- Wang, L., Bobek, V., Maček, A., & Horvat, T. (2021). Potential impact of 'belt and road' initiative on trade of Euro-Mediterranean countries with China. *International Journal of Diplomacy and Economy*, 7(1), 33-57.
- Xing, L. (2021). China-EU relations at a crossroads: "Systemic Rivalry" or "Strategic Partnership"? In *China-EU Relations in a New Era of Global Transformation* (pp. 1-18). Routledge.
- Xue, L. (2004). *China-EU trade relations: The period after 1975*. Ekonomiska institutionen.
- Zhou, W., & Peng, D. (2018). EU-Price Comparison Methodologies (DS516): Challenging the Non-Market Economy Methodology in Light of the Negotiating History of Article 15 of China's WTO Accession Protocol. *Journal of World Trade*, 52(3).